



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

## اصول الفقه (عام و خاص)

اقسام عام والفاظ عموم

جلسه ۱۰۸

استاد نجار زاده

### اقسام عام:

۱. استغراقی.
۲. مجموعی.
۳. بدلی:

عموم بدلی آن است که حکم برای یک فرد از افراد موضوع، به طور بدلی ثابت باشد؛ یعنی هر فردی را که مکلف مورد امتثال قرار دهد، از عهده تکلیف خارج شده؛ بنابراین، فرد واحد به طور علی البدل موضوع حکم است؛ مانند اعتق ایة رقیبة شئت (هربندهای را که خواستی آزاد نما)؛ در این مثال، مکلف در اعتاق مخیر بوده و می تواند هربندهای را که خواست آزاد کند.

### اشکال:

قسم سوم را از اقسام عموم دانستن مسامحه است؛ زیرا بدلیت با عموم تنافی دارد؛ چه آنکه فرض آن است که متعلق حکم یا موضوع آن، تنها یک فرد است و وحدت با عموم سازش ندارد.

### جواب:

عموم در این قسم، معنایش عموم بدلی است؛ یعنی هر یک از افراد، صلاحیت دارند برای اینکه متعلق یا موضوع حکم باشند.



مرکز مجاز نام صادق (علیه السلام)

### نکته:

۱. استفاده عموم در این قسم، اگر به مقتضای اطلاق و مقدمات حکمت باشد؛ آن را باید از اقسام مطلق شمرد نه عام.

۲. عموم متعلق حکم نسبت به احوال و افراد، زمانی که متعلق امر، وجوب یا استحباب باشد؛ اکثراً از قبیل عموم بدلی می‌باشد.

### الفاظ عموم:

برای عموم، الفاظی است مختص به آن؛ که یا به واسطه وضع بر عموم دلالت داشته و یا به مقتضای مقدمات حکمت، به واسطه اطلاق، دال بر عموم می‌باشند؛ این الفاظ، یا مفرد هستند مانند «کل» و آنچه در معنای آن است؛ مثل «جمع»، «تمام»، «ای» و «دائماً» و یا هیئت لفظیه می‌باشد؛ همچون وقوع نکره در سیاق نفی یا نهی و کلمه‌ای که جنس بوده و محلی به الف و لام باشد؛ اعم از آنکه به صیغه مفرد یا جمع باشد.

توضیح الفاظ عموم:

۱- لفظ «کل»:

لفظ «کل» و آنچه در معنای آن است؛ این لفظ وضع شده‌اند تا دلالت کنند بر عمومیت مدخولشان؛ اعم از آنکه عموم استغراقی بوده یا مجموعی باشد.

۲- وقوع نکره در سیاق نفی یا نهی:

نکره‌ای که بعد از نفی یا نهی قرار گیرد؛ بر عموم سلب و شمول آن نسبت به جمیع افراد دلالت داشته و این دلالت به حکم عقل است نه وضع؛ زیرا عقل حاکم است به اینکه معدوم شدن طبیعت صرفاً به عدم تمام افراد می‌باشد و چون روشن است نیازی به اقامه دلیل ندارد.